

آدرس مقاله در پایگاه مجلات تخصصی نور: مجله نامه انجمن «تاسستان 1383 - شماره 14» (از 139 تا 151)

URL : <http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=107335>

## **عنوان مقاله: سر در عالی قاپوی قزوین یا آئینه عبرت (13 صفحه)**

نویسنده : دبیر سیاقی، محمد

### **چکیده :**

سر در عالی قاپوی قزوین از بناهای عهد شاه طهماسب اول صفوی در قزوین، مدخل بزرگ دولتخانه و یکی از هفت باغ سعادت آباد و عمارات شاهی است. این مدخل از عهد شاه طهماسب که جزو عمارات شاهی بوده، تا به عصر حاضر، شاهد وقایع سیاسی، تاریخی و اجتماعی بسیاری بوده است. در این مقاله تعدادی از این وقایع از منظر این بنای با عظمت بیان گردیده است. در واقع این بنا همچون آئینه عبرتی است که زوال روزگار شوکت و شکوه صفوی را در غصب و تصرف اطراف آن و فرو ریختن زیبایی های معماری آن تا عهد حاضر نشان می دهد.

### **کلمات کلیدی :**

قزوین، سر در عالی قاپو، کتیبه، عهد صفویه، دولتخانه.

چکیده: سر در عالی قاپوی قزوین از بناهای عهد شاه طهماسب اول صفوی در قزوین، مدخل بزرگ دولتخانه و یکی از هفت باغ سعادت آباد و عمارات شاهی است. این مدخل از عهد شاه طهماسب که جزو عمارات شاهی بوده، تا به عصر حاضر، شاهد وقایع سیاسی، تاریخی و اجتماعی بسیاری بوده است. در این مقاله تعدادی از این وقایع از منظر این بنا با عظمت بیان گردیده است. در واقع این بنا همچون آیینی عبرتی است که زوال روزگار شوکت و شکوه صفوی را در غصب و تصرف اطراف آن و فرو ریختن زیبایی های معماری آن تا عهد حاضر نشان می دهد.

کلید واژه: قزوین، سر در عالی قاپو، کتیبه، عهد صفویه، دولتخانه.

سردر عالی قاپوی قزوین که مدخل بزرگ دولتخانه و یکی از هفت در باغ سعادت آباد و عمارات حرم شاهی است و در شمال خیابان سپه یا دولتی، اولین خیابان ایجاد شده در ایران، واقع است، همانند همان خیابان احداثی شاه طهماسب اول صفوی است که در دوران شاه عباس اول تغییراتی در آن داده شده است و کتیبه ای به خط علیرضای عباسی معروف از آن پادشاه گرداگرد در ورودی بر کاشی لاجوردی دارد و نیز ابیاتی گرداگرد پایه طاق محوطه، بین در اصلی و در ورودی به باغ دولتخانه. تعمیرات و اضافاتی هم در دوران ناصرالدین شاه در آن صورت گرفته و در دوران پهلوی اول به مناسبت اقامت پلیس در آنجا، ابتدا نام «نظمیه» و سپس «شهربانی» در ترنج بالای سردر به خط مرحوم عبدالعلی پزشکیان، معلم خط مدارس قزوین، گچبری گردیده و در دوره پهلوی دوم

قسمت اضافی بالای سردر را برچیده‌اند. سردر عالی قاپو با حدود بیست و پنج متر ارتفاع که دارد، در طول بیش از چهار صد و پنجاه سالی که از برپائی و احداث آن گذشته، شاهد حوادث و وقایع بسیار از تلخ و شیرین بوده است و چون آئینه عبرتی آن اتفاقات گاه دلپسند و گاه ناخوشایند را به زبان حال برای نظاره کنندگان بازگو می‌کند.

هشتصد و هفتاد و سه سال پیش که خاقانی شروانی شاعر، به زیارت خانه خدا می‌رفت، چون از راه دجله به ایوان مداین و طاق کسری رسید و از مشاهده آن یادگار استوار دیرین و یادآوری حوادث تلخی که بر آن گذشته بود، غرق دریای حیرت گشت و دجله دیگری از آب دیده بر رخسار روان ساخت، ایوان مداین را آئینه عبرت خواند و ما اگر مجاز باشیم که تصرفی در شعر آن شاعر بلند مقام بنماییم، درباره این سردر می‌توانیم بگوئیم که:

### هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان      این سر در عالی را آئینه عبرت دان

آئینه عبرتی که آنچه را شاهد بوده است، چون پرده سینما، یکی پس از دیگری از برابر چشم سر و چشم دل نظاره کنندگان می‌گذراند. بدین تفصیل:

سردر عالی قاپو و باغ دولتخانه برای ما حکایت می‌کنند که شاه طهماسب اول صفوی، پس از خریدن اراضی زنگیاباد (یعنی محوطه سبزه میدان و باغ موزه و فضاهای میان خیابان‌های شرقی و غربی و جنوبی آن تا ابتدای خیابان سپه) از میرزا اشرف جهان حسنی قزوینی وزیر و ریختن طرح بنای باغ سعادت آباد با عمارات عالی، چون عمارت کلاه فرنگی یا ارشی خانه (موزه فعلی) و یورت شیروانی و عمارات حرم واقع در شرق پنجه علی و باغ و عمارات دیوانخانه و ایوان چهلستون و جهان نما و باغ‌ها و باغچه‌ها و حوض‌ها و درختان و گلکاری‌ها و کشیدن دیوار بر گرد همه و نصب هفت در بر این مجموعه که از جمله همین درگاه رفیع عالی قاپوست و احداث خیابانی مقابل این سردر که خود قدیمترین خیابان ایران است، و واداشتن امرا و وزرا و اعیان و لشکریان که منازلی در دو سوی آن خیابان بسازند و نامیدن این بخش از شهر را به نام جعفرآباد با لقب «باب جنت» و منتقل ساختن پایتخت از تبریز به قزوین، روز هفدهم ربیع الاول سال 965 هجری قمری، از دولتخانه قدیم که در محل حصار شاپوری یا محله شهرستان واقع بوده، وارد دولتخانه جدید گردیده است. (خلاصة‌التواریخ، ج 2، صص

\*\*\*

سردر عالی قاپو حکایت می‌کند که شاه صفوی با عبدی‌بیک شاعر از فراز همین درگاه تماشای شهر و باغ‌ها و عمارات کرده است.

(مثنوی دوحه‌الازهار، عبدی‌بیک، صص 114، 115)

\*\*\*

سردر عالی قاپو یادآور آمدن سلطان بایزید، فرزند سلطان سلیمان پادشاه عثمانی، پس از شکست یافتن از برادر خود سلطان سلیم است، به پناه شاه طهماسب در محرم سال 967 هجری و شاهد است که وی پس از چندی به نیت فساد و تباه کردن شاه ایران، به عنوان مهمان وارد دولتخانه شده و چون رازش فاش گردیده، در میان دیوانخانه و حرم محبوس و سپس به درخواست پادشاه عثمانی به دست فرستادگان آن سلطان سپرده شده است و آنان وی را در روز بیست و یکم ذی قعدة سال 969 هجری در میدان اسب قزوین با چهار پسرش خفه کرده و جسدشان را به کشور عثمانی برده‌اند.

(تكملة الاخبار، عبدی‌بیک، صص 120-115)

\*\*\*

سردر عالی قاپو نشان می‌دهد که القاص میرزا، برادر عاصی شده شاه طهماسب، پس از پشیمانی با زنجیر برگردن و لباس چرکین در بر و موی سر ناتراشیده و سر برهنه، به امید عفو به ایوان چهلستون نزد برادر می‌رود.

(عالم آرای شاه طهماسب، صص 117-116)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از ورود میر عبدالله‌خان، حاکم مازندران، شمشیر برگردن با دو فرزند به دولتخانه به قصد عذر خواهی از عصیانی که کرده بود، برای ما سخن می‌گوید.

(تاریخ خاندان مرعشی، ص 144)

\*\*\*

سردر عالی قاپو پس از اتمام عمارات و باغ‌ها، حکایت از بیست سال توقف شاه طهماسب در قزوین (965 تا 984 هجری) دارد.

(عالم آرای عباسی، ج 1، صص 95، 96؛ روضة‌الصفویه، صص 570، 571)

\*\*\*

سردر عالی قاپو برای ما می‌گوید که چون خبر ولادت شاه عباس اول (نوه شاه طهماسب) را معتمد کاظم آقا به عرض شاه طهماسب رسانید، شاه پس از آنکه نام او را «عبّاس» تعیین کرد، از خوشحالی مکرر سراسر چهلستون را پیموده می‌خواند:

سر دفتر لشکر حجازی

عبّاس علی و شیر غازی

(تاریخ عبّاسی، ملّا جلال، ص 20)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد آمدن سیّد علی کاتبی، دریانورد عثمانی و مؤلف کتاب مرآت الممالک، به دربار شاه طهماسب اول و بازگشتن وی با اکرام و انعام به استانبول، از راه بغداد است. (مرآت الممالک، ص 171-173)

\*\*\*

سردر عالی قاپو روایت می‌کند که چون شاه طهماسب در شب سه شنبه پانزدهم ماه صفر سال 984 هجری درگذشت، هنوز به غسل دادن او نپرداخته بودند که میان طرفداران شاه اسماعیل دوم (که ولیعهد اّمّا در قلعه قهقهه اردبیل محبوس بود)، یعنی اُمّرای افشار و روملو و قاجار و بیات و ورساق با جمعی که خواستار سلطنت حیدر میرزا، پسر دیگر شاه طهماسب بودند، به سر کردگی حسین‌بیک، پسر حسن‌بیک اُستاجلو، نزاع در گرفت و حیدریان که از در مقابل پنجه علی نتوانستند وارد دولتخانه شوند، از همین سردر به دولتخانه درآمدند و سپس به در معروف به در قزاق‌داغیان رسیدند. چون با مقاومت مخالفان، یعنی طرفداران شاه اسماعیل، رو به رو شدند، از سفره خانه خود را به دولتخانه رساندند. طرفداران شاه اسماعیل چون چنان دیدند، حیدر میرزا را از حرم بیرون آوردند و کشتند و سر او را میان طرفدارانش پرتاب کردند و بدین عمل ناروا ختم غائله کردند.

(خلاصة التواریخ، ج 1، صص 604، 605؛ احسن التواریخ، صص 589-610)

\*\*\*

سردر عالی قاپو نظاره گر ورود شاه اسماعیل دوم روز یکشنبه نوزدهم جمادی الاولی 984 هجری به این درگاه و پیاده شدنش از اسب و بوسیدن آستانه و پیاده به درون دولتخانه رفتن وی بوده است. (خلاصة التواریخ، ج 2، صص 618-624)

\*\*\*

سردر عالی قاپو ما را از خرابی‌ها که شاه اسماعیل دوم در مدّت کوتاه سلطنت خود به عمارت و منازل پدر وارد کرد، با اندوه آگاه می‌کند، همچنان‌که از کشتن وی برادران و برادرزادگانش را مطلع می‌سازد. (خلاصة‌التواریخ، ج 2، صص 618، 624)

\*\*\*

سردر عالی قاپو ناظر خروج شاه اسماعیل دوم در شب یکشنبه سیزدهم رمضان سال 985 هجری، همراه حسن‌بیک حلواجی اُغلی برای گردش در کوچه و بازار شهر تا دیری از شب و رفتنش به خانه حلواجی اُغلی و مردنش در خانه اوست.

(خلاصة‌التواریخ، ج 2، صص 652، 653؛ عالم‌آرای عباسی، ج 1، ص 218)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از ورود سلطان محمد خدابنده، تنها برادری که از کشته شدن به امر شاه اسماعیل دوم رهایی یافته بود، روز سه شنبه سوم ذی‌حجه سال 985 هجری به دولتخانه ما را آگاه می‌سازد. (تاریخ سلطانی، ص 103)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از آوردن شاه قلندر، مدّعی سلطنت به قزوین و پوشانده شدن قبای آکنده از باروت بر تن او و آتش زدنش در میدان اسب نیز روایتی دارد.

(نقاوة‌الآثار نطنزی، ص 116)

\*\*\*

سردر عالی قاپو برای ما باز می‌گوید که شمس‌الدین دیو، از مخالفان سلطان محمد را چون از بیدستان به قزوین وارد کردند، به دستور خیرالنساء بیگم، همسر سلطان محمد، پیراهن زنانه بر او پوشاندند و ریش او را تراشیدند و بر شتر برهنه نشاندند و جوالدوزی بر دو لب او فرو بردند و دُهل و نقاره‌زنان همراه گروهی از اوباش، از انتهای خیابان به میدان اسب بردند. سپس در خانه مادرملکه، فخرالنساء بیگم، به دست کنیزان و خدمتکاران سپردند و آنان وی را هلاک گردانیدند.

(خلاصة‌التواریخ، ج 2، صص 692، 693)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد هجوم اُمرای ناراضی از امر و نهی همسر شاه خیرالنساء بیگم، دختر میر عبدالله مرعشی حاکم مازندران، به حرم از دولتخانه و کشتن آن زن در

حضور شوهرش سلطان محمد و دو پسرش حمزه میرزا و عباس میرزا و نیز کشتن مادر ملکه، فخر النساء بیگم، و غارت خانه او در روز یکشنبه غره جمادی الثانیه 987 هجری بوده است. (خلاصة التواریخ، ج 2، ص 695، 699)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد ورود شاه عباس اول از هرات به قزوین، در روز یکشنبه چهاردهم ذی قعدة 995 هجری و تفویض کردن سلطان محمد خدا بنده پدرش سلطنت را به اوست. (خلاصة التواریخ، ج 2، ص 862)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد عروسی شاه عباس اول، در 995 هجری، سال اول سلطنت اوست و بر پا شدن مجلس جشن و سرور در دولخانه و عمارات حرم.

(عالم آرای عباسی، ج 1، ص 382)

\*\*\*

سردر عالی قاپو روایتی نیز از آمدن کشندگان خیر النساء بیگم، مادرشاه عباس، به دولخانه و محبوس شدنشان در بالاخانه ما بین دولخانه و میدان اسب و کشته شدنشان در برابر ایوان چهلستون دارد.

(خلاصة التواریخ، ج 2، ص 868؛ عالم آرای عباسی، ج 1، صص 371، 372)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از تصمیم گرفتن برخی از امرا برای کشتن مرشد قلی خان و آمدنشان روز شنبه سوم صفر 996 هجری به دولخانه و کشته شدن یکی از آنان (مهدی قلی خان ذوالقدر) با ما سخن می گوید. (خلاصة التواریخ، ج 2، صص 872-874)

\*\*\*

سردر عالی قاپو یاد آور کشته شدن دولتیار یاغی در روز پنجشنبه سوم شوال سال 999 ه، در میدان اسب نیز هست و خوردن صوفیان گوشت او را.

(خلاصة التواریخ، ج 2، ص 1085)

\*\*\*

سردر عالی قاپو حکایت می کند که کشندگان حمزه میرزا، بردار شاه طهماسب اول که ابوطالب میرزا برادر او را به سلطنت نصب کرده و به قصد تسخیر قزوین آمده بودند،

توسط ملک بهمن مازندرانی محافظ عالی قاپو و دولخانه با سید توپچی، به بالا خانه‌های غرب دولخانه هدایت گشته و سپس همگی در برابر ایوان چهلستون گردن زده شده‌اند. (روضه‌الصفویه، صص 672-667)

\*\*\*

سردر عالی قاپو، شاهد تغییرات و اضافات در خود بنا در زمان شاه عباس اول و نصب کتیبه‌ای به خط علی رضا عباسی در سردر و ایجاد عمارت زرنگار و دو عمارت به نام جهان نما، در دو سوی میدان اسب و بنای حمام تختگاه و جز اینهاست.

(عالم‌آرای عباسی، ج 2، ص 1112)

\*\*\*

### متن کتیبه سردر عالی قاپو:

«تیمنا بذکر علی الاعلی قد صدر الامر المطاع ببناء هذه البقعة الرفیعة المكان و انشاء هذه السدة السنية الارکان عن السلطان الاعظم، مولی ملوک العرب و العجم، ثراب عتبة سید البشر، مروج مذهب ائمة الاثنی عشر السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه عباس الموسوی الصفوی بهادرخان خلد الله ملکه و اجرى فی بحار النصر فُلکه و لا زالت رؤوس اعظم السلاطین علی بابہ رقامطروحة ورقاب جم الخواقین لدی عنايته خاضع... علی... عباسی.»

سردر عالی قاپو بارها شاهد بوده است که شاه عباس اول صفوی پیاده از این درگاه به محوطه مقابل سردر و ابتدای خیابان، میان مردم برای رسیدگی به عرایض آنان آمده است و نیز برای ما حکایت می‌کند که این پادشاه از در غربی دولخانه سواره به میدان اسب می‌رفته است، به قصد گردش یا چوگان بازی و نیز پذیرفتن برخی سفرا و امرا در آنجا. (عالم‌آرای عباسی، ج 2، ص 532؛ سفرنامه پیتر دلاواله، صص 330-289)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از آمدن سفیر اسپانیا (دُن گارسیاسیلوا فیگوئروا) به مهمانی شاه عباس با هدایای بسیار که پانصد جوان آنهمه را بر روی دست‌های خود از منزل سفیر در طول خیابان تا باغ جنت می‌برده‌اند و حاضر بودن سفیر عثمانی چاووش بک در آن مهمانی تا شب هنگام روایتی به تفصیل بیان می‌کند.

(سفرنامه پیتر دلاواله، صص 330-289)

\*\*\*

سردر عالی قاپو چراغانی مفصل خیابان و میدان اسب و عمارات جهان نما را پس از فتح گیلان در 1000ه یاد آور ما می‌گردد.  
(عالم‌آرای عباسی، ج 1، صص 499،500)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد آمدن میرزا برخوردارخان (خان عالم) ایلچی هند، با ده زنجیر فیل، به قزوین در سال 1037 هجری و منزل کردن او در باغ سعادت‌آباد نیز هست.  
(عالم‌آرای عباسی، ج 2، صص 939،940)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از آمدن ملک شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد سیستانی، مؤلف کتاب احیاءالملوک، در ذی قعده سال 1027هجری به حضور شاه عباس اول، در دولتخانه و چراغانی شهر با ما حکایت می‌کند. (احیاءالملوک، ص 515)

\*\*\*

سردر عالی قاپو ناظر است که شاه صفی کوچه باغی در شمال شرقی باغ سعادت آباد (خیابان فردوسی فعلی) احداث کرده است در 1043 هجری و دری بر مدخل آن کوچه باغ به نام اُغری قاپو (در فرخنده فالی) نصب کرده که از آن در به سفرهای تفریحی یا زیارتی بیرون می‌شده است و نیز در 1049 هجری خیابان مقابل سردر را که پیش از او به محله شهرستان (دژشاپوری قدیم) (یعنی به حدود مدخل کوچه محمدیه فعلی) منتهی می‌شده، تا گورستان کهنبر، اطراف شاهزاده حسین امتداد داده است.

(خلد برین، ص 122؛ تاریخ شاه صفی، نسخه خطی، برگ 91،

منقول در کتاب برگی از تاریخ قزوین طباطبائی، ص 31)

\*\*\*

سردر عالی قاپو برای ما باز گو می‌کند که در زمان شاه سلیمان صفوی کتیبه‌ای زرین بر ترنج بالای در ورودی خود داشته است با عبارتی که شاردن، سیاح فرانسوی، به مضمون آن اشاره می‌کند و یاد آور این بیت است :

گشاده باد به دولت همیشه این درگاه      به حقّ اشهد ان لا اله الا الله

(سفرنامه شاردن، ترجمه یغمائی، ج 2، صص 505 تا 513؛ ترجمه عباسی، ج 3، صص 45-34)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از اقامت شاهان صفوی در دولتخانه و عمارات سعادت آباد و حرمخانه و تعمیراتی که این شاهان در ابنیه تاریخی و مذهبی شهر کرده‌اند و بناهای جدید گوناگون که احداث نموده‌اند، از بیم اطاله کلام سخن نمی‌گوید. اما از آمدن شاه طهماسب دوم نهانی از اصفهان به قزوین و اعلام سلطنت خود، پس از بروز فتنه افغان و محاصره اصفهان از سوی محمود افغان و آمدن سپاهی از افغانان برای دفع وی، به سرکردگی امان الله‌خان از جانب محمود به قزوین و عزیمت شاه طهماسب دوم به آذربایجان و مقیم شدن سپاهیان افغانی در خانه‌های مردم قزوین و قتل عام شدن بیشتر آنان توسط مردم شهر حکایت‌ها دارد. (زبدۃ‌التواریخ، صص 140-142)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد بوده است که نادرشاه افشار به دفعات از قزوین عبور کرده و اقامت‌های کوتاه در آنجا داشته است. (سیر تاریخی بنای قزوین و بناهای آن، ص 484)

\*\*\*

سردر عالی قاپو ناظر بوده است که کریمخان زند پیش از غلبه بر رقیبان خود، به قزوین آمده و به طور ناشناس در خانه یکی از اعیان شهر توقف کرده و بعدها میزبان خود را، به پاس میهمانداری، مورد تفقد قرار داده است.

\*\*\*

سردر عالی قاپو برای ما حکایت می‌کند که پس از کشته شدن آقا محمدخان در قلعه شوشی قفقاز، صادقخان شقاقی، سردار او، با تصرف جواهرات سلطنتی و به ویژه قطعه الماس دریای نور که آقا محمد خان بر بازوی خود می‌بست و گرفتن شهرهای آذربایجان چون تبریز و خوی و غیره به یاری برادران خویش عازم قزوین برای تصرف آنجا. و عزیمت کردن به پایتخت (طهران) و اعلام سلطنت خود گشته، اما مردم قزوین به صوابدید کدخدایان شهر دروازه‌ها را به روی او بسته و آن اندازه مقاومت کرده‌اند تا ولیعهد باباخان، پسر حسینقلی‌خان جهانسوز، برادرزاده آقامحمدخان با نام فتحعلی شاه، از شیراز به طهران آمده و تهیه سپاه دیده و رهسپار قزوین گشته و در محل خاک علی با سپاه صادقخان جنگیده و او را شکست داده و وارد قزوین شده و مردم این شهر را مورد عنایت قرار داده است. (تاریخ عمومی ایران، صص 764-766)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد اهتمام فتحعلی شاه قاجار به آبادانی قزوین، از احداث مسجد سلطانی (مسجد النبی) و تعمیر بناهای تاریخی و مذهبی و نیز ایجاد شدن بناهای خیر، چون آب انبار و پل و مدرسه و مسجد توسط نیکوکاران شهر و وابستگان به دستگاه حکومت نیز بوده است. (سیر تاریخی بنای قزوین و بناهای آن، بخش دوم)

\*\*\*

سردر عالی قاپو پس از حاج سیّاح و میرزا رضای کرمانی، شاهد ورود محکوم به زندان دیگری است مغولاً، به نام میرزا یوسف مستشارالدوله تبریزی، مستشار آذربایجان که به فرمان تلگرافی ناصرالدین شاه قاجار به سعدالسلطنه، حاکم قزوین، با کنده و زنجیر، وی را در عمارت رُکنیه دولخانه محبوس و از ملاقات با دیگر زندانیان ممنوع ساخته‌اند تا احدی او را نبیند و هیچ کس هم با او ملاقات نکند.

(تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص 179؛ یک کلمه و یک نامه از مستشارالدوله، ص 19)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد پیاده شدن حاج سیّاح و میرزا رضای کرمانی (قاتل ناصرالدین شاه) از وسیله نقلیه با چشمان بسته در برابر خود و محبوس شدنشان در یکی از عمارات دولخانه، در رجب 1296 هجری و پس از مدّتی آزاد شدنشان بوده است.

(خاطرات حاج سیّاح، صص 378، 379، 422، 425)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد تعمیرات بسیار در عمارات و بقاع متبرّکه قزوین و بالای همان سردر توسط سعدالسلطنه حاکم وقت شهر بوده است. (المآثر والآثار، ص 77)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از ساخته شدن مهمانخانه‌ای در پایین خیابان، از مقابل بازارچه خیابان و سردر شرقی مسجد جامع تا محل فعلی فلکه سپه در دو اشکوب و مجهز شدن به وسائل مدرن زمان همانند بهترین مهمانخانه‌های اروپا به دستور ناصرالدین شاه، توسط سعدالسلطنه بوده است، با حیاطی در جنوب آن مشتمل بر راهدار خانه و کالسکه خانه و تلگرافخانه و غیره و اسب‌های چاپاری آماده و استادانی برای تعمیر کالسکه‌ها، با وسائل آهنگری جز آن و نیز محوطه گلکاری شده با حوض آبی در شمال مهمانخانه.

(المآثر والآثار، ص 77؛ گلچینی از دیوان ناجی قزوینی، ص 75)

\*\*\*

سردر عالی قاپو سیّاحان و سفیران بسیار را دیده است که در آن مهمانخانه اقامت کرده و در سفرنامه‌های خود آن محل را ستوده‌اند، سیّاحان و سفیرانی چون اورسل و مادام دیولافوا و سفیر انگلیس، همسر مادام شیل و بنجامین، نخستین سفیر آمریکا و دکتر فوریه، طبیب فرانسوی ناصرالدّین شاه و دکتر هنریش بروگش و یوشیدا ماساهارو، نخستین فرستاده ژاپن به ایران و بسیاری دیگر نیز ایرانیان اعم از مسافر و غیره چون حاج سیّاح و بصیرالملک شیپانی و میرزا محمد حسین فراهانی و اعتمادالسلطنه و جز آنها.

(سیر تاریخی بنای قزوین و بناهای آن، بخش دوران قاجاریه)

\*\*\*

سردر عالی قاپو، پس از بالا رفتن شاه طهماسب اوّل صفوی همراه عبدی‌بیک شاعر شیرازی، بر فراز آن سردر، بار دیگر شاهد صعود ناصرالدّین شاه در سال 1306 هجری، هنگام عزیمت وی به فرنگستان (سفر سوم) بر آن بالا و سپس پیاده رفتن وی در طول خیابان تا مهمانخانه و تماشای آتشبازی در شهر و نیز تماشای آتشبازی در شهر هنگام مراجعت از فرنگ و رفتن وی سواره از دیوانخانه تا مهمانخانه بوده است.

(روزنامه خاطرات ناصرالدّین شاه در سفر سوم فرنگستان، ج 1، صص 50.47 و ج 3، صص 128-131)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از آمدن مظفرالدّین شاه در ذی حجه 1317 هجری، هنگام عزیمت به فرنگ در سفر اوّل و در محرم 1320 هجری، در سفر دوم به فرنگ به دولتخانه و اقامت او در عمارت کلاه فرنگی نیز ما را آگاه می‌سازد، آگاه از اقامت آخرین شاه از سلسله قاجاریه در آنجا. (سفرنامه فرنگستان مظفرالدّین شاه، سفر اوّل، صص 16,265,266؛

دومین سفرنامه فرنگ مظفرالدّین شاه، صص 6,154)

\*\*\*

سردر عالی قاپو برای ما بیان می‌کند که در ضلع شرقی آن، بنیاد رختشوی‌خانه‌ای توسط سعدالسلطنه با حوضی وسیع در محوطه آن نهاده شده است در 1306 هجری و ابیات زیر که بر سنگی نقر گردیده، گویای این نیت خیر اوست:

که تاج از جمله شاهان گرفته  
به قزوین نکهت رضوان گرفته

به عهد ناصرالدّین شاه قاجار  
ز سعدالسلطنه از چاکرانش

خصوص از رختشویی کو بنا کرد  
بنا کرد و نموده وقف عامش  
هزار وسیصد و شش سال بگذشت

صفا از صفحه کیوان گرفته  
عوض از خالق یزدان گرفته  
ز هجرت کاین بنا پایان گرفته

سردر عالی قاپو از وقف شدن محل رختشویخانه احداثی توسط سعدالسلطنه، برای ایجاد مدرسه‌ای با نام امید، حکایت می‌کند که شادروان سالار اکرم باغمیشه‌ای (آصف‌الدوله بعد) حاکم وقت قزوین در 1320 هجری به بنا آغاز کرده و در 1323 هجری با مدیریت قاضی ارداقی معروف (مقتول در باغشاه) افتتاح گردیده و سالیان دراز محل تعلیم اطفال شهر با روش تعلیماتی نوین بوده است و هنوز برپاست.

(تاریخچه فرهنگ و مدارس قزوین، ج 1، صص 81-34)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از پناه گرفتن مستبدان مخالف مشروطه در دولخانه و حمله گروهی از مجاهدان، به سرکردگی پیرمخان ارمنی، به آنجا و پاشیده شده نفت بر در ورودی و آتش زدن آن به منظور گشوده شدن و منفجر ساختن بمبی برابر آن و فرار مخالفان ما را آگاه می‌سازد. (از انزلی تا طهران، صص 32، 33؛

روزنامه خاطرات شرف‌الدوله، صص 44، 45)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد اقامت پلیس در عمارات دولخانه و تبدیل شدن زیرزمین‌های شرقی بنا تا زیر ایوان چهلستون (ایوان نادری) به زندان، در اواخر قاجاریه و دوران و استقرار نیروی انتظامی در سال‌های اخیر در آنجا بوده است.

(مینودر، ج 1، صص 605، 602؛ سیر تاریخی بنای قزوین، صص 491، 492)

\*\*\*

سردر عالی قاپو از ویران شدن عمارات دو طبقه در غرب خود و درهای سه گانه دولخانه و حرم واقع در جنوب بقعه پنجه علی و تبدیل شدن آن به خیابان و خانه و چند دکان در دوران قاجار و پهلوی اول، ما را آگاه می‌سازد. (اطهار مطلعین و معمرین)

\*\*\*

سردر عالی قاپو کتیبه شدن کلمه (نظمیه) رابه خط زیبا، برهلال بالای در ورودی توسط مرحوم عبدالعلی پزشکیان، معلّم خط مدارس قزوین و بار دیگر تبدیل شدن آن

به کلمه (شهربانی) توسط همان مرحوم را به یاد می‌آورد.

(اظهار مطلعین و معمرین و تصویر سردر)

\*\*\*

سردر عالی قاپو ناظر رژه سربازان روس در خیابان مقابل خود (خیابان دولت) (سپه) در جنگ جهانی اول نیز بوده است.  
(اظهار مطلعین و معمرین)

\*\*\*

سردر عالی قاپو ناظر برداشته شدن هلال زیبای بالای بنا، با نقش برجسته دو شیر و خورشید رو به روی هم، به دستور رئیس فرهنگ و هنر ناآگاه وقت، به بهانه حفظ صورت و وضع صفوی بنا نیز بوده است. (اظهار مطلعین - عکس قدیم و جدید سردر)

\*\*\*

سردر عالی قاپو شاهد تصرف بسیاری از زمین‌های شرقی باغ ساعات آباد به قصد ایجاد بنا برای جمعیت شیر و خورشید سرخ (هلال احمر) و دبیرستان و تصرف زمین‌های شرق مدرسه امید دولخانه توسط افراد و ایجاد خانه‌های متعدد و ویران شدن و از میان رفتن بنای زیبای ایوان چهلستون یا ایوان نادری، در سال‌های اخیر نیز بوده است و بازگرداندن وضع سابق دولخانه و باغ سعادت آباد را از همت متصدیان دلسوز و آگاه امور به سوابق تاریخی این مجموعه چشم دارد.

**پایان مقاله**